

نمیدانم تو در آن میانه کدامی ؟

نسبت ما با پیروزی عقلانیت متعهد بر تحجر و سیکولاریزم نظامی در مصر !

قسمت اول :



محمد امین فروتن

چکیده : در این نوشتار سعی خواهد شد تفاوت بنیادی میان نهضت های اسلامی در خاورمیانه و احزاب و گروه های که در کشور ما افغانستان از لحاظ فکری و عقیدتی خود را ملهم از اندیشه های اخوان المسلمین مصر میدانند و اکنون با پیروزی آنها در کشور باستانی مصر آنرا پیروزی اسلام و امت اسلامی میخوانند به بررسی گرفته شود تا پرده از این هواداری کاذب و دروغین برداشته و حقیقت روشن گردد .

من به عنوان رئیس جمهور منتخب شما که شما مرا به این مأموریت مهم برگزیده اید شما را به هردین و آئینی که می اندیشید وبا هر نژاد و قبیله ای که تعلق دارید به وحدت و برادری انسانی و ملی فرا می خوانم که شورا و مشورت را پایه و اساس دموکراسی و تنها راه تحقق منافع ملی می شمارم

« احمد مرُسی رئیس جمهور منتخب ملت مصر »

اخبار و احادیث مربوط به تظاهرات سراسری و گسترده در خاور میانه مدتی است که صفحات روزنامه ها و شبکه های بیست و چهار ساعته تلویزیون های ملی و بین المللی را فرا گرفته اند ، آسمان خونبار خاورمیانه و مصر از غریو فریاد های جوانان اعم از زن و مرد کبود است ، نه میتوانیم در قرن بیست و یکم و در جهانی دهکده مانند کنونی ، ما که خود را هم کیش و هم تبار آنها میخوانیم و گاهی و برخی از ما با میراث مشترک دینی و فرهنگی ای که با آنها داریم مباحثات می کنیم با آن فریاد های استبداد شکن توجه نکنیم ، غریو چنین فریاد های آشنا مگرخون آلود ما را نیز که در این بخشی از دنیا برای آزادی، استقلال و عدالت مبارزه میکنیم موظف میسازند تا ریشه های میراث مشترک فکری با آن نهضت آزادی بخش و عدالت خواهانه را با صداقت و دلسوزی مورد تحلیل و ارزیابی قراردهیم تا برویت نقد و شناخت مسالمت آمیز ریشه های فکری و عملی به نا رسائی ها و کمبودی های خود نیز پی ببریم . البته

که سایه شوم این دیوی از مشکلات نه بر یک قسمتی از زمین خاص سایه افکنده است و نه فقط مردم آزادی خواه افغانستان اند که با این وضع درد ناک مُشت و پنجه نرم میکنند، بلکه این زخمی است بر پیکر تمامی بشریت و دردی است بر جان تمامی امت اسلامی! اما توجه باید داشت که آن زخم و این درد بیشتر در جایی به عفونت کشیده شده و خطر مرگ را در پی آورده است که نسخه های تجویز شده از سوی پزشکان و طبیبان بدون آنکه طبیب بیمار را ببیند و عوامل بیماری را کشف و تشخیص کنند با فورم واحد طبی یکسان مورد تطبیق قرار گرفته است. پس بهتر است صادقانه و دلسوزانه ابتدابه خود مان برگردیم و باور ها و اندیشه های مانرا با ترازوی ایمان معاصر اندازه گیری کنیم و ببینیم آنچه را که هزار و چند سالی بحیث **سنت** تغییر ناپذیر بر آب مذهب و عرفان ملمع کار کرده اند با نیاز های امروزی ما و نسل معاصر انطباق دارند یا خیر؟ ویا آنچه را که ما از نیاکان مان بنام ارزش های مقدس مذهبی به میراث برده ایم؛ کرم های فرتوتی اند که درخت تنومند مذهب توحیدی را از درون پوسانیده است. و باید دید و دریافت که چه روحی و قدرتی به مصری های مبارز که به سلاح فریادی از مظلومیت در میعاد وفا یا همان میدانگه التحریر قاهره حضور یافتند و اینگونه به آزادی و استقلال رسیدند؟ آیا این یک تعصب قومی یا خود خواهی ناشی از جهل نیست که خود را البته «**نه خود یک ملیت و یا یک قبیله و ویژه بلکه متعقدان بر یک باور مذهبی !!**» نمائنده تاریخ، فاتحان جهان و صاحبان نبوغ های عظیم تمدنی بدانیم و بر آنچه که ما داشته ایم مباحثات کنیم و ببالیم و از افکار فلسفی و نبوغ های انسانی دیگران چشم ببوشیم و نه تنها آنرا در تغییر و دگر گونی های تاریخی نادیده انگاریم بلکه خون شان را نیز به فتوای شبه شرعی مراجع و دایناسور های مذهبی حلال اعلام کنیم! ما که از مذهب جز نصایح مادرکلان پیچه سفید و کتک کاری های پدر بزرگ برای طهارت و نماز صبح و خطبه خوانی های مرسوم چند قرآنی هیچ نه میدانیم و قتی اکنون می بینیم که ملت بزرگی در برابر استبداد تاریخی و سیکولار نظامی با سلاح فلسفه توحید، عرفان تاریخ و علم و هنر به مقابله برخاسته است، می بینیم که تفأوت از کجا تا کجا است؟

مبنای تنوریک گفتمان پیروزمند کنونی حزب آزادی و عدالت در مصر :

برای ورود به این بحث باید از همه اول توجه داشته باشیم که در بافت های مختلف جامعه مصر ارائیه شعار های رهبر حزب آزادی و عدالت که در مقام رئیس جمهور منتخب آنکشوریان میکنند با آب ذلال نهضت استقلال طلبانه و عدالت خواهانه اخوان المسلمین مصر آبیاری گردیده است. در چنین حالت ناگزیریم تا برنامه عمل آن نهضت تاریخی و سیاسی را که در هرگونه شرائط سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه مصر جزئی از تاریخ آن محسوب می شوند با توجه به شرائط سیاسی و تمدنی آنزمان کشور مصر مورد بررسی قرار دهیم. زیرا روشن است که الزاماً استفاده از هرگونه میتود های

خشونت آلود رژیم ها و زمام داران کشور مصر بر تعیین و انتخاب شیوه های مبارزاتی هرنهضت سیاسی منجمله جنبش فراگیر اخوان المسلمین مصر تأثیر داشته است . چنانچه تاریخ مصر گواه بر این واقعیت تاریخی است که جنبش اصلاحی و استقلال طلبانه اخوان المسلمین مصر در شرائطی و در انطباق با الگوی وقوع امواج پیاپی رستاخیز ها در شرق اسلامی بویژه در کشور باستانی مصر در پاسخ به اوضاع بحرانی آن زمان به مثابه یک مکانیزم پیچیده ای ایجاد گردیده است ، نباید فراموش کرد که شیوه نگرش هر جنبش سیاسی و تاریخی منجمله نهضت بزرگ اخوان المسلمین مصر را باید برحسب زندگی پراز فراز و نشیب آن نهضت بزرگ در عمق شرائط تاریخی و سیاسی حاکم بر جامعه مصر مورد مطالعه قرار داد . نباید تعجب کرد که چگونه این وضعیت سبب گردید تا علی الرغم شباهتهای آشکار میان نهضت های اصلاح گرایانه گوناگون ، بر سر محتوی ایدئولوژیک و شیوه کار برد ، اختلافات مهمی میان آنها وجودداشت . که به قول تحلیل گران و محققان حوزه جامعه شناسی چنین اختلافات از اوضاع و احوال خاص بحرانات جامعه اسلامی در دورانها و زمینه های جغرافیائی مختلف ریشه میگرفت . ۱ بدین ترتیب قسمتی از ویژه گی هرپاسخ و واکنش اجتماعی و سیاسی نهضت های استقلال طلب ملی مربوط و منوط به برخورد نظام های سیاسی حاکم ارتباط میگردد . چنانچه پس از توسعه قدرت و نفوذ فرهنگی اروپا طی قرن نوزدهم شرائط جدیدی را ایجاد کرد ، به جرئت میتوان گفت که نهضت آزادی بخش اسلامی اخوان المسلمین مصر از همان آغاز و تأسیس خود که در سال ۱۹۲۸ تأسیس گردید، و در بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی بزرگترین جریان اپوزیسیون به شمار می رود از افکار و اندیشه های زنده یاد علامه سید جمال الدین افغان و شاگرد گرامی اش مرحوم محمد عبده الهام می گرفت . سیدجمال الدین افغان که نخستین باربا نوشتن رساله نیچریه یا « طبیعت » که در برابر فلسفه مادی « یونان در آن روزگار به نگارش در آورد ، نگاه توحیدی به مسأله » خلقت انسان در هستی « را وارد فلسفه تاریخ ساخت . بدون تردید مسأله حرمت به انسان و آزادی وی در اندیشه های سید جمال الدین افغانی ، محمد عبده ، حسن البنا و دیگر بنیان گذاران نهضت آزادی بخش اخوان المسلمین مصر جایگاه خاصی داشت و دارد . که به یقین کامل میتوان گفت مهمترین انگیزه نوشتن رساله « نیچریه » و همچنان برای انداختن گفتمان های آتشین با فلاسفه بزرگ آن دوران چون (ارنست رنان) فیلسوف مسیحی فرانسه و دیگران کشف و دریافت چگونگی ی خلقت انسان در هستی بوده است ، تصویر وجودی انسان ، تعریف فلسفی و هم چنین عینیت او در تاریخ و جامعه همه اموری محسوب شدند که قبل از هر مطلب دیگری باید به آن پرداخته شود . سیدجمال الدین افغانی و دیگر پیروان و همراهانش در تمامی تلاشها و مبارزات شان ، تفکر و شناخت انسان را براساس فلسفه توحید و بر مبنای فورمولهای علمی و رهنمود های نوین فلسفی در نظر گرفتند و آن فورمول های فلسفی و علمی کشف شده اجتهادی را در ساختمان تصویری ، توصیفی و تفسیری مکتب اسلام جایگزین ساختند

. از نظر سید جمال الدین افغانی و پیروان وی " انسان " بحیث حلقه ای مهمی از نظام هستی و کائنات شناخته میشود که بر مبنای یک نظام هدفمندانه اجتماعی در تاریخ تکامل می کند ، و بزرگترین فرهنگ ها و تمدنها را در جغرافیای زمین بوجود می آورد ، چنانچه این حقیقت را در رساله و اثر فلسفی خود یعنی " نیچیریه بیان داشته است . « و چون نظام عالم بر نهج حکمت گذشته شده است و نظام عالم انسانی جزء نظام کل است ، هروقت این خلل اندازان هیأت اجتماعی یعنی نیچیریا ظهور نمودند ، نفوس انسانی با آنها به مخالفت پرداخته است و خداوند نظام حقیقی مدنیت یا " تمدن " که از اهل " دین " بوده باشند در ازاله ایشان سعی های بلیغ بکار برند » ۲ در گفتمان فلسفه توحید سرشت انسان در خلقت و هستی به حیث خلیفه خدا در زمین یا نمائنده خدا در طبیعت به حیث مضمون اصلی این گفتمان مطرح بوده است ، کاملاً طبیعی است که پارادایم یا الگوی **اجتهاد پویا و دینامیک** به اساس نگهداری و پذیرش اصل حرمت و تکریم به " انسان " در بستر خرد و عقلانیت پُتانسیل و هسته اصلی اینگونه حرکت و تکامل جوامع بشری بشمار می آید . در فلسفه توحیدی عنوان کردن مفاهیم حیات و زندگی بشر و فهرست مسائلی مانند ، آزادی ، دموکراسی ، حقوق بشر ، نگهداشت کرامت انسان و غیره در بستر شرائط تاریخی و فرهنگی هر جامعه پس از نقد سالم و هدفمندانه از سوی مجتهدان واجد شرائط یک فریضه و مسئولیت بزرگ و رسالت خطیر دانشمندان و روشنفکران متعهد تلقی میگردد . آنچه که مهم است توجه به سیر تدریجی و تاریخی جوامع بشری در بستر **عقلانیت و اجتهاد پویا و دینامیک** است که در مقاطع گوناگون تاریخ و در میان اقوام و جوامع بشر تجلی می یابند و از نگاه پیروان این گفتمان یکی از وظائف فلسفه سیاسی این است که کیفیت و مکانیزم رهبری و قیادت را بر مبنای اصل شوری ترسیم میکند و نقش و وظائف و حدود و ثغور آزادی و اختیار انسان را بصورت مطلق در نظر میگیرد و جایگاه حقوقی وی را در چهار چوبهای یک تعهد سیاسی و مذهبی مشخص می سازد . خلاصه اینکه پیروان گفتمان آزادی و عدالت اجتماعی پس از سالها تجربه و تلاش در راه خدمت به مردم مصر اکنون و در قرن بیست و یکم در وجهی حزب آزادی و عدالت بر رهبری دکتر محمد مُرسی و از راهیان راه سید جمال الدین افغانی ، محمد عبده و حسن البنا بنیانگذار جنبش اخوان المسلمین مصر در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک به ریاست جمهوری مصر رسید و پس از آنکه نتایج رسمی انتخابات ریاست جمهوری مصر پیروزی محمد مُرسی را یقینی ساخت ، رئیس جمهور منتخب مردم مصر در یک بیانیه مطبوعاتی خود رؤس و خط مشی دولت آینده اش را اینگونه بیان کرد :

«.....من به عنوان رئیس جمهور منتخب شما که شما مرا به این مأموریت مهم برگزیده اید شما را به هردین و آئینی که می اندیشید وبا هر نژاد و قبیله ای که تعلق دارید به وحدت و برادری انسانی و ملی فرا می خوانم که شورا و مشورت را پایه و اساس دموکراسی و تنها راه تحقق منافع ملی می شمارم» وقتی این سخنان مؤجز آقای محمد مُرسی رئیس جمهور منتخب مردم مصر را در پرتو افکار

واندیشه های عمومی حزب آزادی و عدالت که بر اساس تفکرات و جهان بینی پیشگامان نهضت اخوان المسلمین مصر استوار است با یک نگاه عمیق فلسفی و تاریخی در مطابقت با قرئت بنیاد گرای مذهبی نگریسته شوند روح و جوهر خدمت و حرمت به انسان را به مثابه دکتورین اصلی قرئت توحیدی حزب آزادی و عدالت مصر خواهیم یافت . و خواهیم دید که چگونه اکثریت وسیعی از آزادی خواهان و عدالت طلبان مصر در فریاد های رئیس جمهور منتخب شان حیات دوباره کشور باستانی مصر را می بینند . وقتی آقای محمد مُرسی رئیس جمهور منتخب مصر از **"دموکراسی"** ، **"منافع ملی"** و **وحدت و**

برادری سخن گفت لزوماً بر تمامی تیوری های خشونت ، نفاق و نفرت های دینی میان انسان ها که در قرئتهای بنیاد گرایی ادیان اعم از بنیاد گرایی اسلامی ، مسیحی ، یهودی و غیره که از سوی دشمنان خدا و دشمنان ادیان الهی جابجا شده بود، خط بطلان کشید و میلیون ها شهروند مصری اعم از مسلمانان ، قبطیان " مسیحی ها " ، یهودیان و دیگر اقلیتها را برادر خواند و خود را خادم تمامی مصریان اعلام کرد . زیرا از نظر محمد مُرسی خدمت به انسان بدون هرگونه تبعیض ، نژادی ، مذهبی و قومی عبادت و یک فریضه الهی تلقی میشود . اکنون سوال اساسی و بنیادی که بوجود می آید این است که آیا درقرئت و گفتمان بنیاد گرایی مذهبی که بر اکثریتی از احزاب و نهضت های سیاسی مذهبی درحوزه کشور های جنوب آسیا منجمله افغانستان سایه افکنده است مؤلفه های **«دموکراسی - آزادی بیان عدالت اجتماعی و دیگر مؤلفه های جامعه انسانی»** چه جایگاهی دارند؟ ویا هم درعین حالی که به رویت ثابت نصوص مذهبی **"قرآن و احادیث پیامبر اسلام"** آنها را نیز از جمله طوائفی حساب میکنند که از دین مقدس اسلام عدول کرده اند و طبیعی است که مجازات مرتدان و نوگرایان در متون شریعت اسلامی معلوم است !! بزرگترین نمونه این گونه مخالفت ها ارسال نامه ای از شهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان عنوانی سفیر کبیر عربستان در قاهره است که در اوج مبارزات انتخاباتی مصر برای تلاش بخاطر جلوگیری از پیروزی محمد مُرسی نامزد حزب آزادی و عدالت ازسوی وزیر خارجه عربستان به این شرح صادر شده بود : بر مبنای تاکیدات خادم الحرمین الشرفین (اشاره به عبدالله پادشاه سعودی) از شما می خواهم که تمام تلاشتان را در راستای جلوگیری از پیروزی اسلامگرایان در انتخابات مصر به ویژه "محمد مُرسی" انجام دهید . وزیر امور خارجه سعودی تاکید کرده است: اخوان المسلمین خطری واقعی برای عربستان است و نمی خواهیم که به قدرت برسد چون در نهایت این مسئله سبب از دست رفتن جایگاه کشورمان در جهان عرب و میان کشورهای اسلامی می شود. ۳

ادامه دارد

١ : Fazulur Rahman, « Islam Challenges and Opportunities, (»in islam: past Influence and present Challenge. AllordT.

(Edinburgh University Press 1979, pp.318..23

٢ : از رساله نیچیریه اثری از مولانا جمال الدین افغانی ملقب به " الحسینی " چاپ دهلی

٣ : عکس نامه ارسالی سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به سفیر عربستان در قاهره

